

نظام معرفت شناسی اشراقی (سهروردی)

مهدی عباسزاده

www.ketab.ir



نظام معرفت‌شناسی اشراقی (سهروردی)

مهدی عباس‌زاده

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نورمحمدی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: عباس‌زاده، مهدی، ۱۳۵۴.

عنوان و نام پدیدآور: نظام معرفت‌شناسی اشراقی (سهروردی) / مهدی عباس‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۶۵۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۳۳۹-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۷۸ق — شناخت (فلسفه).

موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۷۸ق — نقد و تفسیر.

موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۷۸ق — حکمة الاشراق — نقد و تفسیر.

موضوع: Knowledge, Theory of

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ عن ۷۱ / BBR

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۱۰۷۱۹

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۳	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۱۸	فرضیه
۲۲	ضرورت‌ها و ادوات
۲۳	پیشینه اجمالی
۲۴	پرسش‌های اصلی و فرعی
۲۵	فرضیه رقیب
۲۶	منابع و روش
۲۷	معرفی فصل‌ها
۳۵	فصل اول: تصویری نظام‌مند از معرفت‌شناسی سهروردی
۳۹	بخش اول: سهروردی و ارکان معرفت
۳۹	۱. فاعل معرفت یا عالم (نفس)
۴۳	۲. معرفت یا علم
۴۶	۳. متعلق معرفت یا معلوم
۴۸	۴. سنخیت ارکان معرفت با یکدیگر
۵۱	بخش دوم: سهروردی و مسائل اصلی معرفت‌شناسی
۵۱	۱. چیستی معرفت
۵۳	۲. امکان معرفت و مسئله شکاکیت
۵۵	۳. معیار معرفت

۴. ابزارها و منابع معرفت.....	۵۷
۵. اقسام و مراتب معرفت.....	۶۱
۶. رابطه ذهن و عین و حل مشکل وجود ذهنی.....	۶۴
۷. موانع، مرزها و حدود معرفت.....	۶۶
۸. بداهت و ملاک آن.....	۶۸
۹. یقین و حد نهایی آن.....	۷۰
۱۰. تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت.....	۷۱
بخش ۴م: سهروردی و برخی از مسائل فرعی یا جدید یا مرتبط با معرفت‌شناسی ...	۷۵
۱. معرفت و توجیه.....	۷۵
۲. تعریف و رابط آن.....	۷۸
۳. امکان علم انسان به اذهان دیگر.....	۷۹
۴. امکان علم انسان به خدا.....	۸۱
۵. دلالت.....	۸۲
بررسی و نتیجه‌گیری.....	۸۷
فصل دوم: اشراق و کارکرد معرفتی آن	۸۹
بخش اول: معنا و مختصات اشراق.....	۹۳
۱. اشراق و علم.....	۹۴
۲. پیشینه اشراق.....	۹۴
۳. اشراق و رمز.....	۹۸
۴. اشراق و روش.....	۹۹
۵. اشراق و نور سانع.....	۱۰۱
۶. اشراق و فیض.....	۱۰۳
۷. اشراق و یقین.....	۱۰۵
بخش دوم: کارکرد اشراق در معرفت‌شناسی سهروردی.....	۱۰۹
۱. اشراق و شهود درونی.....	۱۱۰
۲. اشراق و شهود حسی.....	۱۱۱
۳. اشراق و شهود مثالی یا خیالی.....	۱۱۴
۴. اشراق و شهود قلبی.....	۱۱۵

بخش سوم: صدرالمتألهین و نقد نظریه اشراق و معرفت شهودی.....	۱۱۹
بررسی و نتیجه گیری.....	۱۲۹
فصل سوم: تعریف و هویت نوری فاعل معرفت (نفس).....	۱۳۹
بخش اول: تعریف نفس.....	۱۴۵
بخش دوم: اثبات نفس و تجرد آن.....	۱۳۹
بخش سوم: هویت نفس.....	۱۵۹
بخش چهارم: جایگاه وجودشناختی نفس و کیفیت تکوّن آن.....	۱۷۳
بخش پنجم: هویت و کیفیت تکوّن قوای نفس.....	۱۷۹
بخش ششم: نقد صدرالمتألهین بر نظریه اشراقی نفس.....	۱۸۵
بررسی و نتیجه گیری.....	۱۹۱
فصل چهارم: ایزدیهائی معرفت.....	۱۹۹
بخش اول: حس.....	۲۰۵
۱. حواس ظاهری.....	۲۰۵
۲. روح حیوانی.....	۲۰۸
۳. حواس باطنی.....	۲۱۱
۱-۳. جایگاه حافظه و خیال.....	۲۱۳
۲-۳. اتحاد واهمه، متخیله و خیال.....	۲۱۸
۴. نسبت حواس و نفس.....	۲۲۲
بخش دوم: عقل (نظری).....	۲۲۵
بخش سوم: عقل فعال.....	۲۳۱
۱. کارکرد معرفتی عقل فعال.....	۲۳۲
۲. عدم امکان اتحاد نفس با صورت معقول و عقل فعال.....	۲۳۱
بخش چهارم: قوه شهود: حواس مثالی و قلب.....	۲۴۵
بخش پنجم: نقد صدرالمتألهین بر آرای سهروردی درباره ایزدیهائی معرفت.....	۲۵۱
۱. جایگاه حافظه و خیال.....	۲۵۱
۲. اتحاد واهمه، متخیله و خیال.....	۲۵۵
۳. نسبت حواس و نفس.....	۲۵۷
۴. عدم امکان اتحاد نفس با عقل فعال.....	۲۵۸

۵. قوه شهود (حواس مثالی و قلب)..... ۲۵۹
- بررسی و نتیجه‌گیری..... ۲۶۱
- فصل پنجم: اقسام و مراتب معرفت..... ۲۶۷**
- بخش اول: اقسام معرفت..... ۲۷۱
۱. علم حصولی: تصور و تصدیق، مسئله کلیات، مبحث وجود ذهنی، رابطه ذهن و عین و حل مشکل وجود ذهنی..... ۲۷۳
- ۱-۱. تعریف و ویژگی‌های علم حصولی..... ۲۷۳
- ۱-۲. تصور و تصدیق..... ۲۷۴
۳. مسئله کلیات..... ۲۸۰
- ۴-۱. مبحث وجود ذهنی..... ۲۸۵
- ۵-۱. رابطه ذهن و عین و حل مشکل وجود ذهنی..... ۲۸۷
۲. علم حضوری: ادراک ذات یا خودآگاهی (علم نفس به خود، به قوا و شئون و حالات آن و به بدن و دنی آن)..... ۲۹۲
۳. علم فطری و علم غفلی..... ۳۰۰
- بخش دوم: مراتب معرفت..... ۳۰۵
۱. شهود درونی (ادراک ذات یا خودآگاهی)..... ۳۱۰
۲. شهود حسی و فرایند ابصار..... ۳۱۶
۳. شهود مثالی یا خیالی: جایگاه عالم مثل معانی، ادراکات غیبی و نقش معرفتی افلاک..... ۳۳۳
- ۱-۳. شهود مثالی یا خیالی و جایگاه عالم مثل معلق..... ۳۳۴
- ۲-۳. ادراکات شهودی غیبی (خواب و رؤیا، وحی و الهام) و نقش معرفتی افلاک..... ۳۴۶
۴. شهود قلبی..... ۳۵۸
۵. نکاتی درباره مراتب معرفت شهودی..... ۳۶۹
- بخش سوم: نقد صدرالمتألهین بر نظریه اشراقی مراتب معرفت..... ۳۷۳
۱. ادراک ذات یا خودآگاهی..... ۳۷۴
۲. مسئله ابصار..... ۳۷۵
۳. مسئله تخیل و صورت‌های عالم مثل معلق..... ۳۸۱

۳۸۲.....	۴. ویژگی‌های انوار و رابطه معرفتی میان نورها.....
۳۸۳.....	۵. نقد نظریه معرفت شهودی به‌طور کلی.....
۳۸۴.....	۶. دیدگاه خود صدرالمآلهین درباره ابصار، تخیل و صورتهای خیالی.....
۳۸۷.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۳۹۵.....	فصل ششم: مسئله یقین.....
۳۹۹.....	بخش اول: معنای یقین.....
۴۰۷.....	بخش دوم: یقین از طریق برهان.....
۴۲۱.....	بخش سوم: برهان و بازگشت گزاره‌ها به موجه کلیه ضروریه.....
۴۳۱.....	بخش چهارم: یقین از طریق شهود.....
۴۳۷.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۴۴۵.....	فصل هفتم: استراتژی‌های عقلی.....
۴۵۱.....	بخش اول: تعریف و مهارت‌های اعتبارات عقلی و نقد نظرات مشائیان.....
۴۵۹.....	بخش دوم: اعتبارات عقلی در حکمت الإشراق.....
۴۵۹.....	۱. وجود.....
۴۶۳.....	۲. ماهیت مطلق، شئیت مطلق، حقایق حلق و ذات مطلق.....
۴۶۵.....	۳. وحدت.....
۴۶۵.....	۴. عدد.....
۴۶۶.....	۵. امکان، وجوب و امتناع.....
۴۶۶.....	۶. جنس، نوع و فصل.....
۴۶۷.....	۷. اضافات.....
۴۶۸.....	۸. عدم و امور عدمی.....
۴۶۸.....	۹. جوهر.....
۴۶۹.....	۱۰. مشتقات.....
۴۷۰.....	۱۱. عرض.....
۴۷۰.....	۱۲. مقولات عشر.....
۴۷۱.....	۱۳. هیولای اولی.....
۴۷۳.....	بخش سوم: صدرالمآلهین و نقد آرای سهروردی درباره اعتبارات عقلی.....
۴۷۵.....	۱. وجود.....

۴۷۷.....	۲. مفاهیم اعتباری دیگر.....
۴۸۱.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۴۸۳.....	فصل هشتم: نظریه تعریف.....
۴۸۷.....	بخش اول: جایگاه و شروط تعریف.....
۴۹۵.....	بخش دوم: نقد نظریه مشائی تعریف.....
۵۰۷.....	بخش سوم: نظریه اشراقی تعریف.....
۵۱۵.....	بخش چهارم: صدرالمতالیهین و نقد نظریه اشراقی تعریف.....
۵۱۹.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۵۲۳.....	فصل نهم: تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت.....
۵۳۱.....	بخش اول: تأثیر تعلق به دنیا و امور حسی.....
۵۳۷.....	بخش دوم: ریاضت، دعا و عبادت و خدمت اهل مشاهده.....
۵۴۳.....	بخش سوم: تجرید نفس انسان به منظور آمادگی دریافت تابش انوار برین.....
۵۴۷.....	بخش چهارم: اطاعت از فیاض اشراق.....
۵۵۱.....	بخش پنجم: دیگر عوامل غیر معرفتی و رتبه بر معرفت.....
۵۵۵.....	بخش ششم: فرایند تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت.....
۵۶۱.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۵۶۳.....	فصل دهم: علم الهی.....
۵۶۷.....	بخش اول: علم الهی در التلویحات.....
۵۷۱.....	بخش دوم: علم الهی در المطارحات.....
۵۷۵.....	بخش سوم: علم الهی در حکمة الاشراق.....
۵۸۳.....	بخش چهارم: نقد صدرالمতالیهین بر نظریه اشراقی علم الهی.....
۵۸۷.....	بررسی و نتیجه‌گیری.....
۵۸۹.....	مؤخره: معرفت‌شناسی سهروردی، مسائل روز و دستاوردهای آن...
۵۹۱.....	بخش اول: تحلیل «معرفت» در معرفت‌شناسی معاصر و فلسفه اشراق.....
۵۹۳.....	۱. تحلیل معرفت.....
۵۹۳.....	۱-۱. اطلاق حقیقی و اژه معرفت.....
۵۹۵.....	۱-۲. هویت یا چیستی معرفت.....
۵۹۸.....	۱-۳. ایرادهای تعریف سه‌جزئی معرفت.....

۶۰۵.....	۲. عناصر معرفت.....
۶۰۵.....	۲-۱. باور و اقسام آن.....
۶۰۷.....	۲-۲. صدق و اقسام نظریه‌های آن.....
۶۱۱.....	۲-۳. توجیه و اقسام نظریه‌های آن.....
۶۱۹.....	بخش دوم: نتیجه‌گیری کلی و دستاورد معرفتی مکتب اشراقی سهروردی.....
۶۲۳.....	کتابنامه.....
۶۲۳.....	۱. فارسی.....
۶۲۹.....	۲. عربی.....
۶۳۲.....	۳. لاتین.....
۶۳۵.....	نمایه.....
۶۴۱.....	نمایه موضوع.....

پیشگفتار

در پروپاگنדה انقلابی شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعلیمات دینی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ متمدنی و نجات‌بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم وحیانی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح مسیحی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتبی بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها گشت.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پردازی و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراز و فرود ارتباط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری افشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد

علمی - فکری حسب الأمر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر رشاد در ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین، پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

با رهش این حکمت و دین پژوهی، که مشتمل بر شش گروه علمی با عناوین «معرفت‌شناسی»، «مطالعات قرآن و حدیث»، «فلسفه»، «کلام»، «عرفان» و «منطق فهم دین» است، برای تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌کند:

۱. بازپژوهی و بایبیراب حکمت، کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای ترویج پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهه‌های القایی، قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
۵. نقد مکتب‌ها و دیدگاه‌های عارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.

در راستای تحقق هدف‌های فوق، هر یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌شرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود با معققان عرصه دین پژوهی واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق باید نهایی، برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

موضوع تحقیق حاضر، نظام معرفت‌شناسی شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) است. در این تحقیق، کوشش شده است امکان نظام‌مندی - یا دست‌کم ارائه تصویری نظام‌مند از - معرفت‌شناسی سهروردی، با تکیه بر مجموعه مصنفات او، شروح و تعلیقات آثار او اثبات گردد و نهایتاً دیدگاه‌های وی بر

اساس آثار و آرای منتقدان او بررسی و به بوته نقد گذاشته شود. بر این اساس، فصل اول اثر، به ارائه یک تصویر کلی نظام‌مند از معرفت‌شناسی سهروردی اختصاص یافته است. در فصل‌های بعدی مسائلی از قبیل اشراق و کارکرد معرفتی آن، تعریف و هویت نوری فاعل معرفت (نفس)، ابزارهای معرفت، اقسام و مراتب معرفت، یقین، اعتبارات عقلی، نظریه تعریف، تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر معرفت، و علم الهی پرداخته شده است؛ و در انتها و در قالب یک نتیجه‌گیری، نسبت معرفت‌شناسی سهروردی با مسائل معرفت‌شناختی روز، بررسی شده و تبیین اجمالی دستاوردهای معرفتی آن به دست داده شده است.

اثر حاضر به قلم دکتر محمد تقی آرجمند آقای دکتر مهدی عباس‌زاده در گروه معرفت‌شناسی دانشگاه مشهد نگارش یافته است. وی دارای دکترای فلسفه محض از دانشگاه علامه طباطبائی است و گذشته از تدریس در دانشگاه، پیش‌تر اثری با عنوان «تأثیر ابن‌سینا بر فلسفه دنس اسکوتوس» را در گروه مزبور به انجام و چاپ رسانده است؛ همچنین وی، مقالات متعددی در مجلات علمی-پژوهشی کشور و برخی از همایش‌های علمی داخلی و بین‌المللی منتشر کرده، آثار دیگری نیز در دست تألیف دارد.

در پایان از همه اعضای شورای علمی گروه معرفت‌شناسی و ارزیابان محترم این اثر جناب آقای دکتر سیدصدرالدین طاهری، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا قائمی‌نیا و به‌ویژه مؤلف گرامی که به سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی نموده، از استادان و صاحب نظران درخواست می‌شود با ارائه نظرها و پیشنهادهای سازنده خویش ما را یاری نمایند.

گروه معرفت‌شناسی

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

مقدمه

موضوع نوشتار حاضر، تبیین نظام معرفت‌شناسی شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق^۱) است. در این اثر، کوشش شده است امکان نظام‌مندی معرفت‌شناسی سهروردی با دست‌کم ارائه تصویری نظام‌مند از آن، با تکیه بر مجموعه مصنفات او و شرح و تعلیقات آثار وی اثبات شود و نظرها و آرای منتقدان او به‌ویژه صدرالمتنهیین و برخی از فلاسفه صدرایی نیز بررسی گردد؛ ضمن اینکه حتی‌المقدور دیدگاه‌های فلاسفه نو صدرایی^۲ و محققان معاصری

۱. سهروردی، ابوالفتح شهاب‌الدین یحیی‌بن حبش امیرک، معروف به شیخ اشراق و شیخ شهید یا شیخ مقتول، مؤسس حکمت اشراق در عالم اسلام، در حدود سال ۵۲۹ هجری قمری در سهرورد از توابع کنونی استان زنجان در کشور ایران متولد شد. او در سال ۵۸۷ در حلب از توابع کنونی کشور سوریه حدوداً در ۳۸ سالگی کشته شد. او را نباید با نام عمر سهروردی که یک عارف (صوفی) بوده است اشتباه کرد، چنان‌که قاضی ابوالحسن شیرازی نام سهروردی را «ابوالفتح عمر بن محمد السهروردی» انگاشته است. برای توضیح از: شرح حکمة الاشراق؛ ص ۱. درباره زندگی‌نامه، آثار و نهایتاً ترتیب مرگ مرد، در آثار و مقالات موجود، فراوان است. برای مطالعه بیشتر در این باره می‌توان به آثاری که در باب سیرات وی تألیف شده و عمده آنها در بخش «کتابنامه» در پایان نوشتار حاضر مندرج است، رجوع کرد.
۲. «فلاسفه نو صدرایی»، عنوانی است که می‌توان آن را به فلاسفه اسلامی معاصری اطلاق کرد که به شرح، تبیین و توسعه دیدگاه‌های فلسفی در امتداد و افق حکمت متعالیه صدرالمتنهیین پرداخته‌اند. این فلاسفه اگرچه در ذیل مکتب صدرالمتنهیین قرار داشته، همان روش حکمت متعالیه را در پیش گرفته‌اند، اما دارای دیدگاه‌های مستقل مهمی نیز هستند که باعث می‌شود بتوان آنها را به مثابه یک مکتب فلسفی تعریف کرد. این جریان با علامه سیدمحمد حسین طباطبایی آغاز شده، و سپس شاگردان وی (از قبیل استاد مرتضی مطهری و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و...) آن را دنبال کرده‌اند.

که به آرای وی پرداخته‌اند، از نظر دور نماند.

فرضیه

سهروردی پس از نقد نظام معرفت‌شناسی فلاسفه مشائی و گذار از آن، مجموعه آرای معرفتی خود را بر مبنای عامل «اشراق» پایه‌ریزی می‌کند. او به مدد این عامل، در رویارویی فکری با فلاسفه پیشین، مفاهیم فلسفی و معرفتی «نوری» (سطح شهودی و حضوری) را جایگزین مفاهیم فلسفی و معرفتی «ماهوی» (سطح مفهومی حصولی) نموده، احکام جدیدی بر آنها مترتب می‌سازد و «بین‌سان، مجموعاً یک نظام نوآورانه معرفت‌شناختی را طرح‌ریزی می‌کند».

در این بحث، مهم‌ترین واژگان کلیدی یا مفاهیم اصلی از منظر اصطلاح‌شناسی فلسفی، تعریف آنها، به شرح زیر هستند:

۱. نظام (فکری- فلسفی): دستگاهی^۱ است مستدل، قابل دفاع و دارای ارکان و اجزای منسجم و تأمین‌کننده اهداف و کارکردهای مشخص که در رویارویی با انبوه مسائل فکری، امکان دسته‌بندی، پاسخ‌گویی و ارائه راه حل را دارد.

۲. معرفت‌شناسی: بحث از ماهیت و حواض ذاتی «معرفت» و مسائل مرتبط به آن است.^۲

۳. معرفت‌شناسی اسلامی: مکتبی معرفت‌شناختی مبتنی بر فلسفه اسلامی

۱. عناصر رکنی یک دستگاه فکری- فلسفی عبارتند از: موضوع، مسائل، قلمرو، روش، غایات و کارکردها.

۲. بنابراین، منظور از معرفت‌شناسی در نوشتار حاضر، معرفت‌شناسی (Epistemology) به معنای خاصی که در فلسفه کانت و معنایی که در فلسفه‌های تحلیلی معاصر غرب به کار می‌رود، نیست. فلاسفه اسلامی و از جمله سهروردی، به معانی فوق، به معرفت‌شناسی نپرداخته‌اند، چنان‌که فلاسفه غربی پیش از کانت نیز به این دو معنا چندان متعرض معرفت‌شناسی نشده‌اند.

که دارای خصوصیت مبنای، واقع‌مندانگار، یقین‌گرا و مجموعاً عقل‌گراست.^۱ تبیین ارکان اصلی معرفت (علم، عالم و معلوم) و سنخیت آنها با یکدیگر و مباحثی مانند چیستی معرفت، امکان معرفت و حل مسئله شکاکیت (و نسبیت)، معیار معرفت، ابزارها و منابع معرفت، اقسام و مراتب معرفت، رابطه ذهن و عین و حل مشکل وجود ذهنی، مرزها و حدود معرفت، امکان بداهت و ملاک آن، یقین و حد نهایی آن، تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت، فرایند تکوین معرفت و ... برخی از مهم‌ترین مسائل این علم را تشکیل می‌دهند؛ هم‌چنین برخی از مباحث گاه و حسب مورد در معرفت‌شناسی اسلامی به مثابه معارف و سبب‌ها مطرح می‌شوند. مباحثی مانند وجودشناسی معرفت،^۲ مباحث مربوط به علم‌النفس،^۳ و نیز برخی از مباحث منطقی (به سبب ارتباط

۱. اگرچه معرفت‌شناسی، رشته‌ای است که در فلسفه اسلامی نبوده، اما از خلال متون و آثار فلسفی حکمی آنان می‌توان مباحث معرفتی عمیق و دقیقی را استنباط و استخراج کرد، تا آنجا که در مورد برخی از آنان، مانند فایزیه، ابن‌سینا، ابن‌رشد، سهروردی و صدرالمطالین امکان استنباط و استخراج یک نظام معرفت‌شناختی - یا دست‌کم ارائه تصویری نظام‌مند از مباحث معرفتی آنان - وجود دارد. قید «مجموعاً» از این جهت در تعریف آورده شد که فلاسفه اسلامی جملگی عقل و کارکرد معرفتی آن را تأیید و تفکر خویش را بر مبنای آن پایه‌ریزی می‌کنند، لیکن برخی از آنان (مانند سهروردی) گذشته از تأیید عقل، بر شهود قلبی تأکید فزون‌تری دارند و معرفت و یقین حاصل از آن را برترین معرفت می‌دانند.

۲. وجودشناسی یا هستی‌شناسی معرفت، از جمله مباحث فلسفی در عالم اسلام است که به بررسی نوع معرفت (وجودی یا ماهوی بودن) و تعیین مقوله معرفت (ماهوی بودن، و نوع عرض)، اتحاد یا عدم اتحاد فاعل و متعلق معرفت، تجرد معرفت و ... می‌پردازد. این بحث اگرچه اولاً یک بحث فلسفی است، اما به نظر می‌رسد ربط آن به مباحث معرفت‌شناختی غیر قابل انکار است، یا دست‌کم حذف آن از مباحث معرفت‌شناختی ناموجه می‌نماید، زیرا به یکی از ارکان اصلی معرفت‌شناسی (خود معرفت) می‌پردازد.

۳. علم‌النفس، از جمله مباحث فلسفی است که به تعریف نفس، اثبات وجود نفس، قوای نفس و اتحاد یا عدم اتحاد آنها با نفس، تجرد نفس، بقای نفس، مسئله تناسخ و ... می‌پردازد. اگرچه بحث از نفس، اولاً و بالذات مربوط به مبحث علم‌النفس فلسفی است و نه معرفت‌شناسی، اما به نظر می‌رسد بحث از معرفت‌شناسی بدون توجه به فاعل معرفت (به مثابه یکی از ارکان اصلی سه‌گانه معرفت) ناقص خواهد بود؛ البته می‌توان به نفس نیز از دو

تنگاتنگ آنها با مباحث معرفتی^۱ از این قبیل به شمار می‌روند.

۴. اشراق: روش و مکتبی است فلسفی- معرفتی که علاوه بر تأیید عقل و استدلال در کشف حقیقت، بر لزوم تصفیه باطن و دوری از شواغل مادی و حسی برای آمادگی دریافت مشاهدات و مکاشفات حضوری و قلبی تأکید می‌ورزد و رسیدن به برترین سطح یقین را نهایتاً متوقف بر شهود^۲ می‌داند. اشراق، به این معنای خاص، نخستین بار از سوی سهروردی و سپس توسط آن دسته از فلاسفه اسلامی که به فلاسفه اشراقی^۳ موسومند، مطرح شده است.

منظر پرداخته: یکی منظر معرفت‌شناختی و دیگری منظر وجودشناختی. منظر دوم، مربوط به علم غنی است، اما منظر نخست، مربوط به معرفت‌شناسی؛ زیرا در این منظر است که فلاسفه اسلامی، جمله سهروردی، نفس را به مثابه فاعل حقیقی معرفت معرفی می‌کنند.

۱. برخی از مباحث اصالتاً جزو ساحل منطق هستند، اما با این حال در معرفت‌شناسی تأثیر به سزایی دارند؛ مباحثی از «الذات و الاثر»، «الم و الحضور و حصولی»، «تصور و تصدیق»، «کلی و جزئی»، «گزاره‌ها، حجت و استقرا»، «قیاس، تمثیل و استقرا»، «برهان و...» به نحوی که می‌توان با نظر به آنها از مبحثی کاملاً مرتبط با معرفت‌شناسی سخن به میان آورد. این البته به معنای تبدیل منطق به معرفت‌شناسی نیست، بلکه این مبحث سخن بر سر بهره‌گیری معرفت‌شناختی از مباحث اصالتاً منطقی است. از این دست تعاملات در میان معارف و دانش‌ها فراوان می‌توان یافت. بدین معنا شاید بتوان معرفت‌شناسی برگرفته از منطق را معرفت‌شناسی منطقی (معرفت‌شناسی منطقیون) نام نهاد. حال آنکه می‌توان معرفت‌شناسی برگرفته از عرفان را معرفت‌شناسی عرفانی (معرفت‌شناسی عرفانیون) نام نهاد. معرفت‌شناسی برگرفته از کلام را معرفت‌شناسی کلامی (معرفت‌شناسی متکلمین) و... نام نه.

۲. در فلسفه سهروردی، واژه شهود در بدو امر شاید دو اصطلاح دیگر را به ذهن متبادر سازد: «مشاهده» و «اشراق». باید توجه داشت که این دو اصطلاح نزد سهروردی متفاوت از یکدیگر و دارای معانی دقیق و خاصی هستند و مستقیماً با عامل «شور» پیوند دارند (ر.ک: نوشتار حاضر، فصل پنجم، بخش دوم، مبحث چهارم: شهود قلبی).

۳. به نظر می‌رسد فلاسفه اشراقی به سه معنا قابل بررسی و مطالعه هستند: معنای مورد نظر سهروردی، معنای عام و معنای خاص. ۱. سهروردی در آثار خویش می‌کوشد سابقه فلاسفه اشراقی را تا یونان باستان و ایران باستان به عقب باز گرداند، اما - آن‌گونه که پس از این ملاحظه خواهد شد - چنین پیشینه‌ای با توجه به تعریفی که قبلاً از «اشراق» ارائه شد، فاقد مبنای تاریخی است (ر.ک: نوشتار حاضر، فصل دوم، بخش اول، مبحث دوم: پیشینه